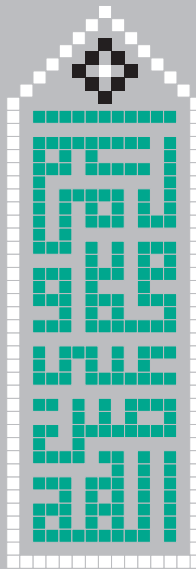


اسماء الرجال والحبراء



سرشناسه: وحیدزاده، محمدرضا، ۱۳۶۴ -
عنوان و نام پدیدآور: شعر و اعتراض: نگاهی به زندگی و آثار ده شاعر معترض
معاصر جهان / محمدرضا وحیدزاده؛ ناظر علمی سیدحسین شهرستانی
[برای] پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری: ۴۰۰ ص.: مصور.
فروست: هنر اعتراضی ایران: ۱.
شابک دوره: ۵-۲۱۵-۳-۶۰۰-۹۷۸؛
شابک: ۹-۴۹۷۶-۳-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.
عنوان دیگر: نگاهی به زندگی و آثار ده شاعر معترض معاصر جهان.
موضوع: شاعران -- سرگذشتنامه
موضوع: Poets -- Biography
موضوع: شاعران ایرانی -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع: Poets, Iranian -- Political activity
موضوع: شاعران -- فعالیت‌های سیاسی
موضوع: Poets -- Political activity
موضوع: شعر سیاسی -- تاریخ و نقد
موضوع: Political poetry -- History and criticism
موضوع: شعر سیاسی
موضوع: Political poetry
شناسه افزوده: شهرستانی، حسین، ۱۳۵۱ -
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر. پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی
شناسه افزوده: شرکت انتشارات سوره مهر
رده بندی کنگره: PN۴۶۶
رده بندی دیویی: ۸۰۹
شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۴۲۸۸۸

هنر اعتراضی جهان
شعرا و اعتراض
نگاهی به زندگی و آثار
ده شاعر معترض معاصر جهان
محمد رضا وحیدزاده





انتشارات سوره مهر
وابسته به حوزه هنری
www.sooremehr.ir

تهران، خیابان حافظ،
خیابان رشت، شماره ۲۳،
صندوق پستی: ۱۷۸۱۱-۱۵۹۱۸
سامانه پیامک: ۳۰۰۵۲۱۹
تلفن: ۶۱۹۴۲
فکس: ۶۶۴۶۹۵۱
تلفن مرکز پخش: (۵ خط)
۶۶۴۶۰۹۹۳

نشانی پژوهشکده
فرهنگ و هنر اسلامی:
تهران، خیابان سمیه،
حوزه هنری
کد پستی: ۱۵۹۹۷۱۹۵۱۳



با اسکن
رمز سه از
دیگر آسان
پژوهشکده
آگاه
میسوید

کتاب هادر زمین ریشه دارند

طبق تقاضای نامۀ انتشارات سوره مهر و سازمان منابع طبیعی
بخشی از عواید فروش این کتاب به کاشت درخت اختصاص دارد.



نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.

شماره تماس پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی: ۸۸۸۹۶۹۳۱-۳

پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی

هنر اعتراضی جهان؛ ۱

شعر و اعتراض

نگاهی به زندگی و آثارده شاعر معترض معاصر جهان

نویسنده: محمدرضا وحیدزاده

ناظر علمی: سیدحسین شهرستانی

طراح جلد و گرافیک: صادق جمالی

چاپ، صحافی و لیتوگرافی: واژه پرداز اندیشه

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۵۰۲۱-۵

شابک جلد ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۰۳-۴۹۷۶-۹

فروشگاه مرکزی:

تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ،

جنب حوزه هنری، شماره ۲۴۵، تلفن: ۸۸۹۴۹۷۹۱-۲

فروشگاه انقلاب:

تهران، میدان انقلاب، جنب سینما بهمن، شماره ۱۰۲۳

تلفن: ۶۶۴۷۶۵۶۸-۹

فروشگاه اصفهان:

میدان انقلاب، سینما ساحل، کد پستی ۸۱۳۳۶۱۴۵۱۱

تلفن: ۰۳۱-۲۲۲۴۷۷۳۵-۶

فهرست مطالب



- ۶ پیش‌گفتار
۱۱ مقدمه نویسنده



- ۱۷ **لنگستون هیوز**: زمزمه‌های جاز و بلوز شکسپیر در محله هارلم
۴۱ **ناظم حکمت**: سفر از سلولی تاریک به قلب همه پرنندگان جهان
۸۵ **پابلو نرودا**: مسلح شدن به کلمات و شلیک به نامی تبه‌کار
۱۲۹ **یانیس ریتسوس**: سرودن بر پاکت‌های سیگار و پراکندن در ابرها
۱۵۹ **امه سزر**: مسافری از اعماق روشن سیاه‌وارگی
۱۹۳ **ماریو بندتی**: سکنی‌گزیدن در تبعید، هم‌وطن شدن با چگوآراها
۲۲۱ **نزار قبانی**: فروختن انگشتر مادر برای خریدن تفنگ
۲۶۹ **گوتتر گراس**: دایناسوری که مخالفانش را به ستوه آورده بود
۳۱۵ **امیری باراکا**: در جست‌وجوی نام واقعی آن‌که آمریکا را ترک‌اند
۳۵۵ **طاهره صفارزاده**: سنگ‌پرانی به اژانه مهاراجه‌ها در سیزده‌سالگی



باسمه المصوّر



پیش‌گفتار



نسبت هنر و سیاست؛ پرسشی به قدمت هنر و سیاست

هنر، در ذات خود چیست و چه نسبتی با سیاست دارد؟ این پرسشی است به دیرینگی تاریخ تفکر در باب هنر و به قدمت تاریخ اندیشیدن درباره سیاست. گواه این مدعا، مجموعهٔ محاورات فلسفی افلاطون است که در آن نسبت هنر و سیاست، در شماری از رساله‌ها به عنوان مضمون محوری و در بسیاری از رساله‌ها به شکل موضوعی جانبی پژوهش شده است. از آن گذشته، اهل هنر و شاعران، خود بی‌آن‌که منتظر دعوتی باشند، در کارزار سیاست حاضر می‌شدند. البته منظور ما از سیاست در این جا، صرفاً محدود به مفهوم حکمرانی و دولت نیست. مقصود از سیاست در این گفتار مطابق با فهم اصیل و کلاسیک، همانا قلمرو نقش‌آفرینی در سرنوشت عمومی و مشترک مردمان و شهرهاست. سیاست در این معنا همان مدنی‌تبی است که به موجب آن، آدمی از ورطهٔ زیست جانوری تعالی یافته و به مرتبهٔ خرد و فرهنگ و فضیلت انسانی نائل می‌گردد. در همین لحظه است که پیوند هنر و سیاست ناگزیر می‌شود. زیرا هنر نیز در تحلیل نهایی، همانا تعالی و عبور از طبیعت و درگذشتن از عادت و در نتیجه بسط ساحت فرهنگ و خرد انسانی است. هنر، به هم‌ریختن چینش طبیعی و خام امور و آرایش چیزها در طرحی نو و نظمی تازه است:

فلک را سقف بشکافیم و طرحی نو دراندازیم

پس هنر دو چهره دارد: چهره‌ای پریشان‌کننده و شکافنده و چهره‌ای نظم‌آفرین و سامان‌بخش و این هردو، شرط گذار از وضع طبیعی و عادی به وضع متعالی و آرمانی است:

از خلاف آمد عادت بطلب کام که من

کسب جمعیت از آن زلف پریشان کردم

این هم‌آمیزی جمعیت و پریشانی یا سامان و بی‌سامانی، روح جاری در میدان سیاست نیز است؛ سیاست هم دو چهره دارد: چهره‌ای قانونی و برقرار و محافظه‌کار و چهره‌ای آشوبناک و انقلابی و معترض.

جوهره سیاسی هنر و بنیان زیباشناختی سیاست

پس اولاً هنر اساساً امری است سیاسی؛ یعنی ناگزیر در معرکه سرنوشت عمومی مردمان و ملت‌ها حاضر است و ثانیاً هم بنا بر ذات دووجهی خود و هم بنا بر ذات دوگانه سیاست - چهره‌ای توفنده، ناآرام و معترض دارد. بنابراین آن چه ما «هنر اعتراضی» می‌نامیم، صرفاً ساحتی فرعی در هنر نیست؛ اعتراض در جوهر هنر ریشه دارد؛ چنان چه «هنر سیاسی» نیز برخلاف گمان خام‌اندیشان، درگرو بیرون رفتن از حدود حیات حرفه‌ای هنرمند نیست. هنر، اساساً سیاسی است؛ چنان چه سیاست نیز اساساً حاوی وجهی زیبایی‌شناختی است. «هنر اعتراضی» یا «هنر سیاسی» را حتی نباید گونه‌ای از گونه‌های هنر قلمداد کرد؛ چرا که در معنای عام، هر اثر هنری از چیزی اعراض می‌کند و امری را طلب می‌نماید. این مطلوب، غایت و آرمان هرچه باشد، سراسر وجود هنرمند را به جنبش و ادار نموده و در تاروپود اثر هنری، حضور می‌یابد. پس سیاست وصله جور یا ناجور هنر نیست، سیاست و هنر تاروپودی درهم‌بافته را می‌مانند.

انگاره جدایی هنر و سیاست، بحران‌ها و کاستی‌ها

رویکردهایی که به هنر و سیاست نگاهی تنگ و مضیق دارند، از این بنیان وحدانی غافل‌اند. لذا در این دوقطبی ساختگی، یا جانب هنر را می‌گیرند یا طرف سیاست را:

گروهی مدعی پیرایش هنر از سیاست و ایدئولوژی‌اند و حراست از آنچه «هنر ناب» می‌نامند را درگرو بی‌تفاوتی و فراغت هنرمند از مسئولیت اجتماعی و سیاسی می‌انگارند و تنزه‌طلبانه، هنر را در مقامی بیرون از میدان منازعات تاریخی و تمدنی می‌نشانند.

و گروهی دست سیاست و قدرت را در مصرف بی‌مبالات هنر، آزاد گذاشته و هنر را صرفاً خادمی در دربار ارزش‌ها و طرح‌های سیاسی می‌پندارند و بدین ترتیب، هنر را به رسانه و هنرمند را به مبلغ فرومی‌کاهند.

رجوع به بنیان وحدانی هنر و سیاست، نقطه آغاز عبور از این دوقطبی مخرب است. در این بنیان وحدانی، مفهوم و مسئله «اعتراض» از مهم‌ترین مفاهیم و مسائل است.

نهاد ناآرام هنر؛ هنر و اعتراض

«هنر اعتراضی» به معنی خاص کلمه، در طول تاریخ همواره بخش مهمی از آثار هنری و ادبی را دربرگرفته است: از نمایش‌نامه‌های شهیر یونانی چون «آنتیگونه» تا داستانهای کهن ایرانی همچون «رستم و اسفندیار»؛ در دوران معاصر اما، اعتراض در عموم هنرها، پرنگ‌تر و صریح‌تر شده است. هنر جدید، گویی به نحو مضاعفی، وجهه‌ای ناآرام و نیرویی ویرانگر دارد. این امر می‌تواند ریشه در جوهر سوپرتیو تمدن جدید داشته باشد. شاید هم نتیجه این واقعیت است که هنر در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگر، واجد نقش و مضمون اجتماعی و تاریخی و ناظر به حیات ناسوتی آدمی است.

از سوی دیگر ما در صحنه جهانی سیاست، با پدیده‌ای بی‌سابقه روبه‌رو هستیم: تمدن مدرن در بطن خود طرحی از قدرت فراگیر، جهانی و همه‌جانبه را به میدان آورده که نتیجه آن ظهور دولت‌های استعمارگر غربی و ساختارهای استثمارگر اقتصادی است. این شکل نوظهور از قدرت، لویاتان یا هیولای بی‌مهاری است که همه چیز را فرومی‌بلعد و در خود هضم می‌کند. این قدرت، اراده خود را به اشکال گوناگون، مستقیم یا غیرمستقیم بر همه چیز تحمیل می‌کند و در این مسیر هیچ چیز مانع بسط اراده او نیست. علم و قانون و دین و فرهنگ و هنر و سایر مظاهر والای حیات انسانی نیز دستخوش دست‌اندازی این قدرت فراگیر اقتصادی و سیاسی است؛ به نحوی که این همه خود به کارگزاری در خدمت فراگیری و ریشه‌داری این نظام اقتدار جهانی بدل شده‌اند. در این میان، هستند در بین اهل فرهنگ کسانی که تن بدین نظم مقهورکننده نمی‌دهند و در پی آنند که سنگری برای رویارویی آدمی در برابر این ماشین جهانی اقتدار فراهم کنند. در این میدان، هنرمندان سرآمد و پیشرواند. «هنر اعتراضی جهان» شبکه‌ای از آگاهی و اراده‌رهایی‌بخش جهانی است در سراسر بلاد مسکون، رویارو با نظام سرمایه‌دارانه و استعماری قدرتهای جدید. قدرتی که در شکل متمرکز، ایالات متحده آمریکا تجسم همه ابعاد و نیروهای آن است. وجود این نیروی مقهورکننده و ضرورت انسانی مقاومت در برابر آن، سومین و شاید مهمترین دلیل باشد برای این واقعیت که هنر معاصر جهان بیش از هر دوران، ماهیتی معترض و جوهری ناآرام دارد.

مجموعه «هنر اعتراضی جهان»

ایران، هم پیش و هم به‌ویژه پس از انقلاب ۷۵، از کانون‌های این مقاومت انسانی در برابر نظم مستبد جهانی است. خاستگاه و پشتوانه این مقاومت، سرمایه‌های عمیق و کهن فرهنگی و معرفتی و هنری تمدن ایران اسلامی است

که در بستر خود نمودهای متنوعی از هنر اعتراضی و انقلابی را به بار نشانده است. جامعه ایرانی اما درک جامعی از هنر اعتراضی در سطح جهانی ندارد. در نتیجه از سویی در میان مدعیان فرهنگ و هنر در ایران شاهد نوعی واگرایی نسبت به هنر متعهد و معترض به نظام جهانی هستیم و از سوی دیگر در میان جماعت هنر انقلابی در ایران، شاهد نوعی ناآگاهی از تجارب جهانی در این زمینه ایم که سبب می شود هنر انقلابی ایران، زبانی محلی و محدود پیدا کرده و از دست یابی به زبان جهانی در هنر واماند. این ضرورت ها انگیزه طرح تولید مجموعه کتاب های «هنر اعتراضی جهان» در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی گردید. در هر مجلد از این مجموعه بنا داریم به ۱۰ هنرمند یا اثر هنری برجسته در حیطه هنر اعتراضی معاصر جهان بپردازیم تا بدین ترتیب این نکته را بیازماییم که هنر متعهد، مسئول و معترض چه منزلتی در تولیدات طراز اول هنری جهان داراست.

شورش شاعران

در این مجلد که به همت دوست کوشا و فاضلم آقای محمدرضا وحیدزاده تألیف شده است، ده شاعر بزرگ جهان از ممالک شرق و غرب و زبان ها و نژادهای گوناگون، در اعتراض به ستم و استکبار و استبداد و سرکوب، هم سرا و هم آوا شده اند. از جناب وحیدزاده هم به خاطر نوشتن این اثر و هم بابت نقش محوری در طرح ایده این مجموعه، سپاسگزارم. همچنین شکرگزار همه همکارانم در پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی و نیز انتشارات گرامی سوره مهر هستیم و توفیق همگان را در مسیر اعتلای فرهنگ غنی ایران اسلامی از خدای عزیز خواستارم.

سید حسین شهرستانی

مدیر گروه حکمت هنر پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی



مقدمه نویسنده

شعر چیست؟ انکشاف حقیقت یا سکنی‌گزینی در خانه وجود؟ محاکات جهان یا رستاخیز واژه‌ها؟ هرچه هست، چیز غریبی است که بشر هیچ‌گاه گریبان خویش را از چنگ آن نرهنانده و پیوسته با او در سخن بوده است. غریبه‌ای دیرآشناست که از گذشته‌های دور آدمی را به خود فراخوانده و به نجوا با خویش واداشته و عهد سخن گفتن از نه‌توی تاریک و روشن دلش را جسورانه گردن گرفته است. شعر تجلی درون است و نقی به آن چه کلام عادت‌زده را به آن راهی نیست. شعر خود آدمی است؛ با همه زشتی‌ها و زیبایی‌ها و فرازها و فرودهایش. شعر نهاد ما را آینگی می‌کند؛ به هر رنگ و نقش و جلوه‌ای که باشیم؛ با زبانی که همتایی به گویایی اش نیست.

درباره شعر فراوان گفته‌اند و نخله‌ها و مکتب‌های نظری بسیاری، از منظرهای مختلف به کاوش ذات و اطراف و اکنافش کوشیده‌اند؛ و هریکی را نیز از این عرصه حاصلی بوده است؛ بی‌ش یا کم. شگفت اما آن‌که در این میان، یک خوانش، خود را بر همه خوانش‌های دیگر غالب کرده است. در پهنه بی‌پایاب و پرفتنه رسانه، یگانه تفسیر موجود خواننده و به مدد بوق‌ها و کرناهای اهل این وادی، باقی قرائت‌های دیگر را به حاشیه رانده است؛ خوانشی که بر بنیادی سست، تنها به هنر برای هنر - به تعبیر گنگ و بی‌معنای خود - جواز تردد می‌دهد و بی‌شفت و قاطع، به تکفیر هر آن هنری برمی‌خیزد که رنگی از تعهد، غایت یا حتی معنا دارد. پای می‌فشرد که یکتا گواه اعتبار هر اثری «شکل» است و هرکه روی به سوی وجه دیگری جز آن آورد، محکوم به طرد و انکار و البته نفی بلد است؛ از مدینه‌ای که کلیدش به دست صاحبان همین خوانش است و قوانینش مهور به مهر اینان و پاسبانش مأمور به حکم ایشان. لشکریانی باموجب و بی‌موجب را نیز

در صحنه‌های گونه‌گون، از صفحات روزنامه‌ها گرفته تا محافل ادبی و از شبکه‌های مجازی تا مراکز به ظاهر علمی و دانشگاهی، گسیل داشته تا ادعای هر دَیاری را در هر دار و دیاری، با همین سنگ، محک بزند؛ و خنک آن‌که در جهان سوم سینه‌چاکان مؤمن‌تری را نیز از پی خویش روان ساخته است.

این در حالی است که هرکس اندکی آشنایی با تلقی شکل‌گرایانه و دیگر روایت‌های مدرنیستی در تاریخ هنر داشته باشد، نیک می‌داند که تلقی نام‌برده، یکی از بی‌شمار تلقی‌های پیش و بعد از خویش است. بر بسیاری از باورداشت‌های قبل از خود شوریده و دلایلی بر رد آن‌ها اقامه کرده و خود نیز عموم مبانی و مواضعش در معرض نقد و رد نگرش‌های بعدی قرار گرفته است. چه فراوان رديه‌هایی که بر نگاه‌های سنتی مطرح ساخته و چه اشکالاتی که از سوی جریان‌هایی چون پیروان مارکس، روان‌کاوان، زن‌باوران، پدیدارشناسان، وجودگرایان، مکتب انتقادی‌ها، پسامدرنیست‌ها و پسااستعمارگروان بر اصولش گفته نشده و هیچ‌یک را نیز پاسخ درخوری داده نشده است. نقدهایی که بر زیبایی‌شناسی ذهنیت‌گرای کانتی هنر مدرن از سوی هریک از این رویکردها وارد آمده، چیزی نیست که بتوان سالم از زیر آوارش بیرون آمد. پس چه رجحانی برای صدرنشینی‌اش در میان است؟ هیچ! به حکم استبدادی الحکم لمن غلب و به ین ارتش قلم‌به‌دستان و رسانه‌بازان غوغاسالار!

روایت او غالب است چون به قول بورديو میدان‌های قدرت در اختیار اوست. از این روست که ارزش‌های عرصه هنر را گفتمان مدرنیستی تعیین می‌کند و هرآن‌چه را تهدیدی علیه مقدمات خود بیابد، یعنی تهدیدی علیه فرادست‌سازی معانی مصرف‌گرایی و سرمایه‌سالاری و اباحه‌گری، تکفیر می‌کند؛ چنان‌که تری برت به نقل از لوسی لیپارد در «نقد هنر» می‌نویسد: مدرنیست‌ها دسترسى مخاطب را به محتوای اثر هنری حرام می‌دانند. اگر این محتوا رنگ و بوی اجتماعی داشته باشد حتماً حرام است! همو می‌گوید: جریان بی‌تحرك مدرنیسم هر چیزی را که اندکی مایه سیاسی داشته باشد با لفظ اهانت‌آمیز «شبه‌هنر» خطاب می‌کند و معمولاً هنر اجتماعی را

بدیهی، زحمت، عامه‌پسند و شعاری می‌نامد. برت خود به اعتبار آرای منتقدان دیگر چنین رویکردی را ساده‌لوحانه، تنگ‌نظرانه و مانع رشد انتقادی می‌نامد.

حقیقت آن است که شکل‌گرایی و دیگر روایت‌های مدرنیستی از هنر و ارزش‌های مورد پذیرش آن، یک تلقی قابل بررسی در شمار خیل تلقی‌های دیگر از هنر است. رهیافتی است برای نزدیکی به هنر و چه بسا مستعد رسیدن به دست‌آوردی‌هایی هم در این وادی؛ چنان‌که رهیافت‌های دیگر. اما باید توجه داشت، مسئله رسالت و مسئولیت، اساساً مسئله هنر نیست. مسئله انسان است. به تعبیر دیگر، تعهد صفت شاعر است نه شعر. مگر نه آن‌که شعر آینه وجود آدمی است؟ و مگر نه آن‌که انسان با شعر و هنر به هستی خویش نقب می‌زند؟ پس دیگر چه جای سخن گفتن از لزوم تعهد یا غیر آن در هنر؟ تعهد رنگی است که از منشأ هنر برمی‌خیزد، نه آن‌که به ذات آن برگردد. اگر آدمی متعهد باشد، شعر او نیز رنگ تعهد خواهد داشت و اگر اهل اباحه، شعر او نیز جلوه همان خواهد بود. انسان مصرفی، به شعر مصرفی خواهد رسید و انسان مسخ‌شده به شعر ممسوخ و انسان خودبنیاد به خودبنیادی در شعر. انسان ستیپنده را نیز شعری است جنگ‌آور؛ با هرآن‌چه او در ستیز است؛ خویش‌ترن یا جهان. در اصل تجلی هنر هیچ تفاوتی نیست. مسئله فقط در میزان ارتعاش این موج است. از آن‌جا که شعر بیان بلیغ ناگفته‌هاست و افشای مکنونات، همین مسخ و تعهد و مصرف و ستیز، آن‌گاه که ردای شعر بر تن می‌کند، پرتوی به مراتب شدیدتر خواهد یافت و جهان وسیع‌تری را با خود همراه خواهد ساخت؛ شعر انسان مصرفی، از خود او مصرفی‌تر است و مصرفی‌تر و شعر انسان متعهد، از خود او متعهدتر است و تعهدآورتر.

شاید برای روشن‌تر شدن مسئله، بیش از اقامه هر دلیل و ادامه دادن هر بحثی، ساده‌تر رجوع به خیل شواهد پیش رو باشد. اگر تعهد و غایت‌مندی - چنان‌که مدعیان مدرنیست پراکنده و تکثیرشونده در رسانه‌ها فریاد برمی‌آورند - مسلخ هنر است و قربانگاه خلاقیت، پس با این همه هنرمند متعهد و مبارز برجسته که آثارشان

بر بلندای ستیغ هنر و ادبیات جهان ایستاده، چه باید کرد؟ به ترفند کدام انکار و سرپوش از کنار فصل‌های مشبعی از تاریخ هنر و ادبیات می‌توان آهسته درگذشت که مشحون از ارزش‌های والای هنری درهم پیچیده با دغدغه‌مندی و التزام و باور است؟ به راستی بر این همه نام چگونه می‌شود خاک پاشید؟ آن چه در این اثر گرد آمده، برگ‌هایی چند از همین فصل مشبع است. صفحات پیش رو شرح زندگی و زمانه و آثار ده تن از جنون‌مندترین و ارجمندترین شاعران سده بیستم است که شعرشان آینه وجود متعهد و مسئولشان بوده است؛ شاعرانی که همواره با شعر و در شعر زیسته‌اند و رگ‌های جهان را تا همیشه تاریخ از سکر هنر والای خویش گرم کرده‌اند و در عین حال، فارغ از هر مذهب و باور و مسلکی که داشته‌اند، آبی در برابر ناراستی و کج‌روی و بی‌عدالتی، به ویژه مظهر تامه آن یعنی امپریالیسم جهانخواه، ساکت ننشسته‌اند.

این ده شاعر را از میان نزدیک به چهل نام برگزیدم؛ نام‌هایی که حذف هر کدامشان برای انتخاب فهرست نهایی، داغ حسرتی بود بر دلم. ماه‌ها این اسامی را سبک و سنگین می‌کردم و پیوسته یکی را به صدر می‌آوردم و یکی را از فهرست بیرون می‌گذاشتم و باز جای چند نفر را با هم عوض می‌کردم تا نهایتاً به سیاهه پیش رو رسیدم. از سویی با خود می‌گفتم که کاش فرصتی بود تا آن یکی هم اضافه می‌شد یا به آن دیگری هم می‌پرداختم و از سوی دیگر اضطراب افزودن حجم و زمان کار و کاستن توان من، دستم را برای این امر می‌بست. به هر روی، انتخاب این ده نام به معنای دل‌بریدن از حدود سی شاعر اثرگذار و دردآشنا و انقلابی دیگر بود. در نگارش این مجموعه همدلی و مشاورت دوستان بسیاری مدد رسانم بوده که اگر عزم بردن نام تک‌تکشان را می‌کردم، بیم آن را داشتم که از حوصله این صفحات درگذرد و باز هم نامی از قلم بیفتد و اسباب شرمساری ام گردد. با این همه ناگزیرم از برادر ارجمند و فاضلم، جناب آقای دکتر سیدحسین شهرستانی، به حسب وظیفه سپاسگزاری کنم که با لطف بی‌دریغ خود، مشوق و حامی اصلی تألیف این مجموعه شدند.

همچنین باید بیفزایم در تهیه مطالب این اثر از منابع متعددی بهره برده‌ام که شمار آن از دست خودم نیز بیرون شده است. برای هر عنوان به آثار منتشره‌ای در زبان فارسی و مقالات نگاشته‌ای که در دسترس است مراجعه کرده‌ام و صفحات مجازی را فراوان کاویده‌ام. گاه برای یک شاعر که اطلاعات کمتری از او در اختیار بوده، به منابعی در زبان‌های اصلی رجوع کرده‌ام و به یاری کمک افزارهای ترجمه، آن‌ها را به فارسی برگردانده‌ام. مطالبی که این‌گونه از زبان‌های انگلیسی، اسپانیولی، فرانسه و غیره، مورد استفاده قرار گرفته، آن‌چنان متعدد و پراکنده است که امکان درج همه آن‌ها فراهم نبود. در نتیجه از فهرست و ذکر آن‌ها صرف نظر کردم. بسیاری از اطلاعات این مجموعه، اطلاعات آشنا و بازگفته‌ای است که در منابع دیگر نیز یافت می‌شود و مزیت این اثر تنها گردآوری و چینش یک‌جای آن‌ها در کنار هم و در واقع ساختن بنایی نو بوده است. اما گاهی هم پیش آمده که مطلبی برای اولین بار - تا آن‌جا که نویسنده دیده است - در زبان فارسی مطرح شده و از این جهت می‌تواند اتفاقی تازه قلمداد شود.

این اثر از جهت چارچوب نظری به الگویی نزدیک شده است که می‌توان آن را برگرفته از شیوه «نقد تکوینی» نامید. نظر به آن‌که این شیوه در کتاب پیشین نگارنده، «تاریخ تکوینی شعر انقلاب اسلامی» به تفصیل و به شکلی مبسوط شرح داده شده، از تکرار مطالب آن در این جا خودداری می‌شود. پیشاپیش از همه گرامیانی که با تذکرات، نقدها، نظرها و پیشنهادهای ارزشمندشان، کاستی‌های این کتاب را جهت رفع در چاپ‌های بعدی به این جانب گوشزد می‌کنند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. امیدوارم انتشار این اثر، گامی کوچک در جهت شکستن تک‌صدایی حاکم و روایت ناقص و باژگونه فعلی باشد و در معرفی هرچه بیشتر شعر متعهد جهان به علاقه‌مندان این عرصه مؤثر واقع شود.

این کمیته را پیشکش می‌کنم به روح بلند و آسمانی سردار قاسم سلیمانی.

محمد رضا وحیدزاده